

توکل بر اللہ تعالیٰ

مؤلف: اسماء بنت راشد الرویشد

مترجم: پدرام اندایش

می‌گویند و آن را در مناسبات بسیاری به زبان می‌آورند، ولی عده‌ی کمی هستند که معنای آن را می‌فهمند و از این عده‌ی کم، تعداد کمی هستند که الفاظ و معانی آن را در عمل پیاده می‌کنند.

برای تطبیق این معنای ایمانی بزرگ یعنی «توکل بر الله تعالی» در هر جزئی از جزئیات زندگی مسلمان، باید اول مفهوم توکل را فهمید و معنای حقیقی آن را درک کرد و

توکل بر الله تعالی // 3

اهمیت آن را شناخت و اثر ترک
توکل بر الله تعالی را در زندگی
مسلمان شناخت و این موضوع هم بین
مطلب کوتاه است.



معنای توکل بر الله تعالی

توکل بر الله تعالی همان سپردن
امور به الله عَزَّوَجَلَّ است و اعتماد کردن به
انتخاب الله تعالی در امری که به
شخص شده است و اعتماد به الله

تعالی در جلب منافع و دفع ضررهای
دینی و دنیوی؛ شامل بدست آوردن
روزی و بدست آوردن پیروزی و
شفای بیماری و بر طرف شدن
مشکلات و دیگر چیزهایی که از
منافع دنیوی هستند، و همچنین اعتماد
بر الله تعالی در بدست آوردن منافع
آخرتی؛ مانند ایمان، هدایت، عمل
صالح و علم سودمند و دیگر چیزها.



اهمیت توکل

توکل عبادتی واجب در قلب
است و عبادتی است که فقط
شایسته‌ی الله تعالی و خالص برای او
می‌باشد، آن برترین عبادت‌ها و
بالاترین منازل توحید است. کمال آن
را برپا نمی‌دارند مگر خواص مؤمنان؛
مانند هفتاد هزار نفری که بدون
حساب و کتاب وارد بهشت می‌شوند،
همچنان که بیان آن خواهد آمد، الله

تعالی توکل را شرط و علامت ایمان دانسته است و می‌فرماید: ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: 23] (و فقط^۱ بر الله توکل کنید اگر از مؤمنان هستید). در نتیجه با توکل است که ایمان در قلب تحقق پیدا می‌کند. گفته شده است: «من لا توکل»

¹ - چون «علی الله» بر خلاف قانون

مقدم آمده است معنای تخصیص می‌-

دهد. (مترجم)

توکل بر الله تعالی 7//

له لا ایمان له» (کسی که توکلی نداشته باشد، ایمانی ندارد) و الله عَلَيْكَ می فرماید: ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [آل عمران: 122] (و فقط مؤمنان بر الله توکل می کنند).

در اینجا است که می توانیم درک کنیم که توکل سخنی با زبان یا عملی با اعضای بدن نیست، بلکه آن ایمان و یقین در قلب است و به همین دلیل قرآن توکل را صفتی اساسی برای مؤمنان قرار داده است، الله عَلَيْكَ می -

فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ
اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ
آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ
يَتَوَكَّلُونَ﴾ [الأنفال: 2] (مؤمنان فقط
کسانی هستند که وقتی الله یاد می-
شود، قلبهای آنها به ترس می افتد و
وقتی آیات او تلاوت می شود ایمان
آنها زیاد می شود و فقط بر
پروردگارشان توکل می کنند).

آنچه دلیلی بر اهمیت توکل در

حیات مسلمان است، این است که الله

توکل بر الله تعالی // 9

تعالی شیطان را از توکل کنندگان دور می‌کند؛ الله تعالی در سوره‌ی النحل درباره‌ی شیطان می‌فرماید: ﴿ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴾ [النحل: 99] (او قدرتی بر کسانی که ایمان آورده‌اند و فقط بر پروردگارشان توکل می‌کنند ندارد). توسط آن به بهشت پروردگار جهانیان دست یافته می‌شود، زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ

غُرْفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * الَّذِينَ صَبَرُوا
وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿ [العنكبوت:

58-59] (و کسانی که ایمان آورده‌اند

و عمل صالح انجام می‌دهند آنها را در

کاخهای بهشت جای می‌دهیم که از

زیر آنها نهرها جاری است در آن

جاودان می‌مانند و چه نیکوست اجر

عمل کنندگان * کسانی که صبر کردند

و فقط بر پروردگارشان توکل نمودند).

این بدان معناست که مهمترین صفات

توکل بر الله تعالی // 11

کسانی که اهل بهشت هستند، صبر و توکل است.

درباره‌ی فضیلت و مکانت

توکل و بزرگ بودن آن می‌بینیم که الله

جل جلاله پیامبرش ﷺ را به کرات در

قرآن به آن امر می‌نماید و به او می‌-

فرماید: ﴿ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا

يَمُوتُ ﴾ [الفرقان: 58] (و بر زنده‌ای

توکل کن که نمی‌میرد)، ﴿ فَأَعْرِضْ

عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ

وَكَيْلًا ﴾ [النساء: 81] (از آنها روی

12 // توکل بر الله

بگردان و بر الله توکل کن و الله برای
نگهبان بودن کافی است، ﴿فَإِذَا
عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ [آل عمران:
159] (و وقتی تصمیم به اقدام گرفتی
بر الله توکل کن).



بدست آوردن اسباب^۱ از توکل

1 - بدست آوردن اسباب، منظور انجام کارهایی است که برای رسیدن به هدف، لازم هستند، مثلاً کسی نمی تواند بگوید: من دارو نمی خورم و بر الله تعالی توکل می نمایم، بلکه باید آن کاری که از دست او بر می آید، یعنی دارو خوردن را انجام دهد، ولی بر الله تعالی نیز توکل نماید و بداند که تا الله متعال نخواهد، بهترین دارو نیز باعث شفای او نمی شود و در نتیجه

است

معنای حقیقی توکل کامل نمی-
شود مگر با بدست آوردن اسباب که
ما را به هدف می‌رسانند. الله تعالی
همراه به امر به توکل به بدست آوردن
اسباب نیز امر می‌فرماید. کوشش
نمودن برای بدست آوردن اسباب با
جوارح اطاعتی از الله تعالی می‌باشد و

=

بعد از خوردن دارو بر الله متعال توکل
نماید و خود را به او بسپرد. (مترجم)

توکل بر الله تعالی // 15

توکل با قلب، ایمان به او است، الله

تعالی خطاب به مؤمنان می فرماید: ﴿

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ﴾

[النساء: 71] (ای کسانی که ایمان

آورده‌اید، آمادگی خودتان را حفظ

کنید) و به پیامبر ﷺ می فرماید:

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ [آل عمران: 159]

(و در امور با آنها مشورت کن و وقتی

تصمیم به اقدام گرفتی بر الله توکل

کن).

توکل حالت پیامبر ﷺ بوده است

و کسب نمودن [اسباب] سنت او می-

باشد و کسی که به سنت او عمل می-

کند، سنت او را ترک نمی‌نماید.

گفته شده است: «عدم بدست

آوردن به اسباب طعنه وارد کردن به

دین است و اعتقاد به [کافی بودن]

اسباب طعنه به توحید است».

یوسف بن أسباط گفته است:

«عمل مردی را انجام بده که چیزی او

را نجات نمی‌دهد مگر عملش و به

توکل بر الله تعالی // 17

مانند مردی توکل کن که مصیبتی بر وی وارد نمی‌شود مگر آنچه [از قبل در تقدیر] او نوشته شده است».

به همین دلیل از کامل بودن توکل، بدست آوردن اسباب است و این در حالی است که به آن اسباب به تنهایی اعتماد نمی‌شود و قلب به آن تعلق پیدا نمی‌کند و حالت بدنی او این است که آن اسباب را تهیه می‌کند و حالت قلبی او این است که الله تعالی آن را انجام می‌دهد و اسباب به

تنهایی کاری نمی‌توانند انجام دهند.
اثر توکل در ایجاد کردن
آرامش در درون و احساس قدرت
داشتن:

توکل نزد مؤمن، عمل است و
عمل همراه با آرامش قلب و اطمینان
خاطر درون است و اعتقاد محکمی بر
این وجود دارد که آنچه الله تعالی
بخواند انجام می‌شود و آنچه نخواهد
انجام نمی‌شود و به این ایمان می‌آورد
که به ستون محکمی پناه گرفته است

توکل بر الله تعالی // 19

و او آرزو و اعتماد خود را باید بر آن
قرار دهد و به همین دلیل اثری بر
درونش دارد و برای اجرا کردن امرش
احساس ثبات می‌کند و به مانند کوهی
می‌شود که لرزش نداشته و از احدی
از مخلوقات الله تعالی نمی‌ترسد، زیرا
کسی که به او توکل شده است و امر
به او واگذار شده است، همان
پروردگار مخلوقات است و زمام امور
آنها در دست اوست.

بنده‌ای که امر را به

پروردگارش واگذار می‌کند و به
خواست الله تعالی راضی می‌شود،
آینده او را نمی‌ترساند و از اتفاقات
ناامید نمی‌گردد و آرامش جای ترس
را در او می‌گیرد و به اطمینان خاطری
دست می‌یابد که ناشی از عدل و
رحمت الله تعالی می‌باشد. الله تعالی
می‌فرماید: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى
اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [التغابن:
13] (الله، هیچ پرستش شونده‌ی
برحق‌ی جز او وجود ندارد و مؤمنان

توکل بر الله تعالی // 21

باید فقط بر الله توکل کنند).

همچنین الله تعالی می فرماید: ﴿

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

[الطلاق: 3] (و کسی که بر الله توکل

کند او برای وی کافی است) به معنای

کافی بودن در گرفتاری‌ها و غمها.

کسی که الله تعالی برای او کافی باشد

و او را حفظ نماید، هیچ چیز به او

ضرر نمی‌رساند. این آیه درب آرزو و

امید را در برطرف کردن نیازها باز

می‌کند، در نتیجه کسی که به الله تعالی

اعتماد می‌کند، الله تعالی برای او کافی خواهد بود ﴿إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ﴾ [الطلاق: 3] (الله حکمش را اجرا می‌کند) به این معنا که امرش را به اجرا می‌گذارد.

توکل بر الله تعالی توشه‌ای برای روح است که ترس را از بین می‌برد و قلب همان چیزی است که به مؤمن آرامش داشتن در آرزویی که برای آینده می‌باشد را به ارمغان می‌آورد.

توکل بر اللہ تعالیٰ // 23



انواع توکل بر مسبب تعلقات آن

1- توکل واجب، همان اعتماد

به الله تعالی در تمامی امور، شامل بدست آوردن منافع و دفع ضرر رساننده‌ها است و این توکل شرطی از شرطهای ایمان است.

2- توکل بر مخلوقات در

اموری که توان آن امر را جز الله تعالی ندارد، مانند نازل کردن باران یا علم

توکل بر الله تعالی // 25

غیب داشتن، یا به مانند توکل بر مردگان و کسانی که غائب هستند در امید داشتن به آنها در یاری دادن و روزی دادن و حفظ نمودن آنها از آزار و این شرک اکبر است که با توحید منافات دارد^۱.

3- توکل بر زندگان که حاضر

¹ - زیرا هر کاری را الله تعالی انجام می‌دهد و توکل نمودن به غیر الله با این امر منافات دارد. (مترجم)

هستند در امری که الله تعالی به آنها قدرت آن را داده است، مانند توکل پیدا کردن بر پزشک در شفا دادن و توکل نمودن بر ثروتمند در روزی دادن و توکل نمودن بر قدرتمند در دفع آزار و این شرک اصغر است و با درست بودن توحید منافات دارد. شرح دهنده‌ی کتاب التوحید گفته است: «توکل بر الله عبادتی است که باید برای الله خالص باشد و آن را برای دیگر چیزها باید از بین برد،

توکل بر الله تعالی 27//

[زیرا] با توحید منافات دارد».

4- وکیل کردن انسان بر کاری

که توانایی آن را دارد و به نیابت از او این کار را انجام می‌دهد، مانند خرید و فروش، این جایز است ولی نباید گفت: توکل نمودم بلکه باید گفت: تو را وکیل گرفتم. زیرا حتی اگر او را وکیل بگیرد باید بر الله سبحانه و تعالی توکل نماید.



اموری که با توکل منافات دارد

1- از آنچه با توکل منافات

دارد این است که پیروزی و روزی

گرفتن و به هدف رسیدن را به اسباب

نسبت دهیم و آن را از جانب الله

تعالی نبینیم؛ مانند کسی که می‌پندارد

روزی او فقط در فلان عمل قرار دارد

و این با کامل بودن توحید منافات

دارد؛ زیرا سبب فقط الله به تنهایی

می‌باشد؛ مانند ادعای پیروزی از

توکل بر الله تعالی // 29

طریق علم داشتن یا ادعای شفا پیدا کردن با علاج نمودن پزشک، مانند آن که گفته می‌شود: فلان طبیب مرا شفا داد. درست آن این است که گفته شود: از الله شفا گرفتم سپس از پزشک. همچنین به مانند کسی که در قلبش این امر وجود دارد که روزی او فقط به علت علم، نشاط و قدرت اوست یا فلان شخص کسی است که به او روزی می‌دهد و به او عطا می‌نماید یا اعتماد نمودن به شخصی که

امر او را آسان کند و حاجت او را بر طرف نماید.

2- از چیزهایی که با توکل

منافات دارد، تسلیم نشدن به قضا و

قدر الله تعالی در مصیبت‌ها و

مشکلات و مریضی‌ها و پناه بردن به

جادوگران و دعا نویسان و درخواست

از آنها برای رفع درد می‌باشد.

توکل بر الله تعالی // 31

3- «التطير»^۱ و فال بد زدن:

همان گونه که بعضی از مردم هنگام
خارج شدن از خانه و یا سفر نمودن

¹ - «التطير» امری است که در گذشته

انجام می گرفت و آن این بود که پرنده‌ای

را در دست می گرفتند و آن را رها می-

نمودند و اگر به سمت راست می رفت،

می گفتند: خیر است و اگر به سمت چپ

می رفت می گفتند: شرّ است و این عمل

امروزه با شمردن دانه‌های تسبیح یا فال

گرفتن با ورق صورت می گیرد. (مترجم)

آن را انجام می‌دهند و با دیدن
شخصی یا شنیدن سخنی فال بد می‌-
زنند یا آن که به عدد معین یا روز
معین یا لباس و خانه‌ای فال بد می‌-
زنند و این با توحید منافات دارد،
رسول الله ﷺ فرموده است: «الطَّائِرَةُ شِرْكٌ»
شِرْكٌ» (تطیر شرک است). ولی انسان
آن را بزرگ می‌شمارد و توکل بر الله
تعالی از قلبش خارج می‌شود؛ این
چنین است فال بدن زدن به خوابهای
ترسناک و تعلق پیدا کردن به آنها.

توکل بر الله تعالی // 33

4- آنچه با کمال توکل بر الله تعالی منافات دارد، جلو انداختن رضایتمندی مخلوقات بر رضایتمندی الله تعالی است: وقتی مصالح شخص با توکل بر الله تعالی و نیکی نمودن یقین تحقق پیدا می‌کند، انسان نباید رضایتمندی مردم را بر رضایتمندی الله تعالی برتری دهد، همان گونه که در حدیث آمده است.



میوه‌های توکل

گوارای توکل کنندگان باد،

بشارت‌های بزرگی که از آنها:

1- امید داشتن بر این که از

هفتاد هزار نفری شوند که بدون

حساب و کتاب وارد بهشت می‌شوند،

همان گونه که در صحیحین آمده

است، و از بارزترین صفات آنها ﴿

وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (و فقط بر

پروردگارشان توکل می‌نمایند) می-

توکل بر الله تعالی // 35

باشد.

2- ترک نمودن شرک و پاک

شدن از آن؛ زیرا او به علت توحیدش
به غیر الله تعالی توجه نمی‌کند و آن
برایش قوی نمی‌شود.

3- رضایتمندی او به تقدیر الله

تعالی زیاد می‌شود و آن تسلیم شدن
کامل به الله تعالی است.

4- اثر ترس از مخلوقات از

قلب او از بین می‌رود مانند کسانی که
به آنها گفته می‌شود: ﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ

جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا
وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾ [آل

عمران: 173] (مردم بر علیه شما
جمع شده‌اند، پس از آنها بترسید! در
نتیجه‌ی آن ایمان آنها زیاد می‌شود و
می‌گویند: الله برای ما کافی است و
نگهبان نیکی می‌باشد).

5- آن شناخت از الله تعالی را

زیاد می‌کند: ایمان عملی به اسمهای
الله تعالی و صفاتش می‌آورد، صفاتی
مانند: «القادر» (قادر)، «الرازق»

توکل بر الله تعالی 37//

(روزی دهنده)، «الشافی» (شفا دهنده) و «العزیز» (بسیار با عزت) و نزدیکی او به وی زیاد می شود.

6- زیاد شدن هدایت و حفظ

شدن از هر شرّی و کافی بودن برای او از هر نیازی، رسول الله ﷺ فرموده است: «مَنْ قَالَ - یعنی إذا خرج من بیته : بسم الله، توکلت علی الله، ولا حول ولا قوة إلا بالله، يقال له: هدیت ووقت وکفیت، فبقول الشیطان لشیطان آخر: کیف لك برجل قد

هدی ووقی وکفی» (کسی که هنگام
خارج شدن از خانه‌اش بگوید: به نام
الله، بر الله توکل نمودم و هیچ تغییر و
قدرتی وجود ندارد مگر از جانب الله.
به او گفته می‌شود: هدایت یافتی و
حفظ شدی و برای تو کافی است. و
شیطانی به شیطان دیگر می‌گوید: با
این مرد چه کار خواهی نمودی،
[زیرا] او هدایت یافته است و حفظ
شده است و برای او کافی است).

مردم در توکل بر الله تعالی با

توکل بر الله تعالی // 39

یکدیگر فرق دارند و این بر حسب
کوشش آنها و اهتمام آنها و هدف آنها
و قدرت ایمان آنها است، همان گونه
که ابن قیم گفته است: دوستان و
خواص او در ایمان، به او توکل می-
کنند و همچنین در یاری دادن دینش
و بالا بردن سخنش و اجرا گذاشتن
دوست داشتنش. پایین تر از این توکل،
توکل نمودن بر وی در استقامت نفس
است و حفظ نمودن حالش به شکلی
که با الله همراه شود و آن را از مردم

جدا می‌نماید؛ به این معنا که در امر
دینش به خودش اعتماد نمی‌کند و
اعتماد او فقط در توفیق یافتن از
طرف الله [تعالی] است، و پایین‌تر از
آن توکل نمودن در چیزهایی مانند
بدست آوردن رزق یا سلامتی یا
فرزند است.

بالاترین توکل: توکل نمودن در
واجبات است؛ به معنای آنچه الله تعالی
واجب فرموده است؛ بدین صورت که در
اطاعت از او از وی کمک بطلبد و به او

توکل بر الله تعالی // 41

اعتماد کند و همراه با سعی نمودن در کسب اسباب، تغییر و قدرتی را در غیر او نبیند و بر نفس واجب است که الله تعالی را به نیکی انتخاب کند و در اصلاح امورش به او اعتماد نماید، و این همراه بدست آوردن راههای اصلاح و به منفعت رساندن آن است.

بر مخلوق واجب است که در اصلاح امورش به الله تعالی توکل نماید و آن این گونه است که آنچه بین او و بین پروردگارش وجود دارد

را اصلاح نماید و در نتیجه الله تعالی آنچه بین او و بین مخلوقات است را اصلاح می‌کند، همان گونه که وی بر الله تعالی اعتماد می‌کند و در اصلاح مخلوقات از او کمک می‌طلبد و نباید اعتماد او بر علم، فضیلت و قدرت خودش باشد، بلکه باید بداند که قلبها در دست الله هستند و هر گونه بخواهد آن را تغییر می‌دهد.

اسبابی که قدرت قلب را در توکل زیاد می‌کند:

توکل بر الله تعالی // 43

1- شناخت اسمها و صفات

پروردگار: هیچ چیزی وجود نخواهد داشت مگر به خواست و قدرت وی. او توانایی است که چیزی او را ناتوان نمی‌سازد، باعزتی است که چیزی بر او غلبه نمی‌کند و چیزی او را منع نمی‌کند، عالمی است که علم او به همه چیز احاطه دارد و از مصالح ظاهری و باطنی و بلاهای نهان و آشکار آگاه می‌باشد.

بنده وقتی بعد از فکر نمودن و

مشورت و تهیه اسباب قصد کاری را می‌کند، موفق نمی‌گردد، مگر با کمک الله تعالی و توفیق دادنش؛ زیرا موانع و بلاهای در برابر موفق شدن زیاد می‌باشند و کسی به آنها احاطه ندارد، مگر الله تعالی، پس گریزی از این وجود ندارد که مؤمن باید به الله تعالی توکل نماید و به قدرت و قوت او در آسان کردن امور و ادامه یافتن عمل اعتماد داشته باشد. الله جل جلاله توکل کنندگان را دوست می‌دارد و

توکل بر الله تعالی // 45

این همراه با عمل نمودن به اسباب است.

2- إثبات أسباب و گرفتن

آنها؛ زیرا توکل از قوی ترین اسباب در بدست آوردن هدف می باشد و تأثیر توکل بر کسب بنده و سعی او آشکار می گردد، مانند دعا نمودن که الله تعالی آن را سببی برای بدست آوردن آنچه از آن دعا می شود قرار داده است. الله عَلَيْكُمْ می فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ

وَأَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ﴿ [الجمعة: 10]

(وقتی نماز [جمعه] را ادا نمودید در زمین پخش شوید و از فضل الله طلب نمایید) و جایز نمی باشد که به اسباب اعتماد صورت گیرد. از مردم کسانی هستند که برای بر طرف کردن نیازهایشان بر مخلوقات توکل می کنند و قلب خود را به آنها متعلق می کنند و مجازات آنها این است که الله تعالی آنان را به آن چیزی که توکل کرده اند وا می گذارد. همان گونه که پیامبر ﷺ

توکل بر الله تعالی // 47

فرموده است: «مَنْ تَعَلَّقَ بِشَيْءٍ وَكِلَإِئِهِ» (کسی که به چیزی تعلق پیدا کند به همان واگذار می شود) و غیر الله تعالی از هر چیزی و در هر چیزی ناتوان است، حتی در بدست آوردن مصالح خودش؛ و نباید بر مال، جاه، عقل و هیچ مخلوق دیگری توکل صورت گیرد.

علی بن ابی طالب رضی الله عنه گفته است: «کسی که به مالش اعتماد کند، آن را کم می یابد و کسی که به عقلش

اعتماد کند، گمراه می‌شود و کسی که
بر جاهش اعتماد کند ذلیل می‌شود و
کسی که بر الله [تعالی] اعتماد کند، نه
کم می‌آورد و نه گمراه می‌شود و نه
ذلیل می‌گردد».

شاعر گفته است:

لعل على الرحمن في الأمر كله

در تمامی امور به بسیار رحمت کننده توکل

نرغبين في العجز يوماً عن الطلب

از روی ناتوانی، روزی از طلب نمودن کوت

م تر أن الله قال لمريم

توکل بر الله تعالی // 49

آیا ندیدی که الله [تعالی] به مریم فر

زوی إلیک الجذع يساقط الرطب

شاخه نخل را تکان بده برای تو خرما ریخته می

شاء أدلی الجذع من غیر هزه

اگر می خواست شاخه را بدون تکان دادن ب

نزدیک می فرمود.

ما ولكن كل شيء له سبب

ولی برای هر چیزی اسبابی وجود

مردی نزد ربیع بن عبد الرحمن آمد

و از او درباره‌ی گفتگویی که با امیر

برای برطرف کردن نیازش داشت،

سوال نمود، ربیع گریه کرد و گفت:

کجایی ای برادر! الله را در امرت قصد کن او را سریع و قریب می‌یابی و من به کسی در امری رجوع نمی‌کنم و آن را از وی نمی‌خواهم مگر الله وَعَلَيْكُمْ و او را کریم و نزدیک می‌یابم [البته] برای کسی که او را قصد کند و از او بخواهد و بر او توکل نماید.

فضیل بن عیاض رحمه الله گفته است: «دوست داشتنی‌ترین شخص نزد مردم کسی است که از مردم بی‌نیازی جوید و مغبوض‌ترین

توکل بر الله تعالی // 51

شخص نزد مردم کسی است که از مردم نیاز خود را طلب کند و از آنها درخواست نماید. دوست‌داشتنی‌ترین شخص نزد الله وَعَلَيْهِ کسی است که از او درخواست نماید و نسبت به غیر از او بی‌نیاز باشد و مبعوض‌ترین شخص نزد [الله] تعالی کسی است که از او بی‌نیازی جوید و از غیر او درخواست نماید».

به همین دلیل معیار قدرت بنده و کامیاب شدنش قدرت بی‌نیاز بودن

او از مخلوقات در برابر الله تعالی است. پس اگر بنده بر الله تعالی توکل کند و به او اعتماد نماید و امر خود را به او بسپارد، او را بخشنده‌تر از مردم می‌یابد، این به آن معنا نیست که آن شخص قوی می‌باشد، ولی این گونه است که او بر الله تعالی اعتماد می‌کند و تمامی مشکلاتش حل می‌شود؛ و آن به سبب بدست آوردن سبب نمی‌باشد، بلکه بر پروردگارش توکل می‌کند.

3- اخلاص داشتن قلب در

توحید به الله تعالی و شریک قائل نشدن برای وی: توکل بنده درست می شود مگر با اصلاح توحیدش و به اندازه ی توحیدش، توکلش صحیح می شود. وقتی بنده به غیر الله تعالی متوجه می گردد آن توجه باعث می - شود تا گوشه ای از گوشه های قلب او را اشغال کند.

پیامبر ﷺ فرموده است: «لو

أنکم توکلتم علی الله حق توکلہ
لرزقکم کما یرزق الطیر، تغدو خماصاً
وتروح بطاناً» (اگر شما آنچنان که
حق توکل پیدا کردن بر الله می باشد بر
وی توکل پیدا کنید به مانند پرندہ به
شما روزی می دهد، صبح گرسنه
خارج می شود و شب با شکم پُر بر
می گردد). به این معنا که برای هر کدام
از شما صحت توحید ایجاد شود،
چیزی که اقتضاء می کند تا در تمامی
امور، امر به الله تعالی سپرده شود و به

توکل بر الله تعالی // 55

او اعتماد صورت گیرد، او به مانند پرندگان به شما روزی می دهد، ولی این گونه نیست و مردم بر قدرت و کسب اسباب خود اعتماد می کنند.

4- اعتماد قلب به الله تعالی و

وابسته شدن به وی و آرامش گرفتن توسط آن، نباید اضطراب و شکی با توجه به اختلاف اسباب یا ضعف آنها یا ضعیف بودن آنها، باقی بماند و این علامتی از درست بودن توکل است. اگر از گرفتن اسباب دوری وجود

داشته باشد و بر پروردگار اعتماد صورت گیرد، سپس آن امر حاصل نشود، نباید در قلب حرجی ایجاد گردد و نباید در آن بغضی وجود داشته باشد که سببی را بر نگرفته است و یا از آن کمک نطلبیده است؛ زیرا او می‌داند که سختی وجود ندارد مگر به تقدیر الله تعالی و آسانی وجود ندارد مگر آن که از طرف الله تعالی باشد و توجه‌ای به بدست آوردن اسباب و یا پشت کردن به آنها برای

توکل بر الله تعالی // 57

او وجود ندارد، پیامبر ﷺ فرموده است:
«يدخل الجنة أقوام أفئدتهم مثل أفئدة الطير» (اقوامی وارد بهشت می‌شوند که دل‌های آنها به مانند دل پرندگان است) به این معنا که بر الله تعالی توکل می‌کنند.

5- حُسن ظن داشتن به الله ﷻ:

همان چیزی است که باعث اعتماد به الله تعالی می‌شود، همان گونه که حسن بصری گفته است: «از توکل بنده این است که الله [تعالی] همان

چیز مورد اعتماد او باشد»... بلکه اعتماد داشتن و یقین، ستون توکل و اصل آن می‌باشد؛ کسی که به پروردگارش اعتماد می‌کند اعتقاد دارد که اگر الله تعالی حکمی نماید آن حکم رد کننده‌ای ندارد و در پس حکم او چیز دیگری یافت نمی‌شود. کسی که الله تعالی برای او نصیبی از روزی، اطاعت یا مال یا علم یا غیر آن قرار داده باشد، گریزی نیست که آن را بدست می‌آورد و کسی که از آن

توکل بر الله تعالی // 59

موارد چیزی برای وی قرار داده نشده است، هرگز به آنها نمی‌رسد، همان گونه که راهی برای او به پرواز در آسمان وجود ندارد و در این هنگام است که از چیزی که الله تعالی برای او نصیب قرار نداده است، احساس راحتی می‌کند و همچنین از ناقص بودن آنچه الله برای او نصیب قرار داده است، احساس امنیت می‌کند و در نتیجه رضایتمند و شادمان می‌گردد، همان گونه که در حدیث آمده

است: «إِنَّ اللَّهَ بِعَدْلِهِ وَقِسْطِهِ جَعَلَ
الرُّوحَ وَالْفَرَحَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا،
وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ فِي الشَّكِّ
وَالسُّخْطِ» (الله از روی عدل و دادش
شادی و خشنودی را در یقین و
رضایت‌مندی قرار داده است و اندوه و
غمگینی را در شک و خشمگین شدن
قرار داده است).

6- تسلیم نمودن قلب به الله

تعالی: یعنی تسلیمِ تدبیرِ پروردگار
جهانیان شدن در امور قضا و قدر

توکل بر الله تعالی // 61

وی؛ و نه فقط در آنچه به آن امر فرموده است یا از آن نهی نموده است.

7- سپردن امور به الله تعالی:

آن حقیقت توکل است و آن سپردن تمامی امور به الله تعالی و قرار دادن آنها نزد پروردگار می باشد و آن از روی اطاعت و اختیار است و نه از روی اجبار و اضطرار.

باید این گونه باشد که شعار مؤمن در زندگی اش توکل باشد، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به دعاهایی راهنمایی

فرموده است که صبح و شام گفته می‌شود و در تغییراتی که در زندگی -
اش وجود داشت آنها را به کار می -
بست و مملؤ از روح توکل و متوجه
کردن قلب به سوی الله تعالی در هر
حالتی داشت.

از آنها: دعای هنگام خارج
شدن از خانه است که در قبل آمد.

از آنها: این دعای او می‌باشد:
«اللهم لك أسلمت، وبك أمنت
وعليك توكلت، وإليك أنبت، وبك

توکل بر الله تعالی // 63

خاصمت، اللهم إني أعوذ بعزتك، لا
إله إلا أنت أن تضلني، أنت الحي
للذي لا يموت والجن والإنس
يموتون» (يا الله! فقط به سوی تو
تسلیم شدم و فقط به تو ایمان آوردم
و فقط بر تو توکل نمودم و فقط به
سوی تو توبه نمودم و فقط برای تو
دشمنی نمودم، یا الله به عزت تو پناه
می برم، هیچ پرستش شونده‌ی بر حقی
جز تو وجود ندارد که مرا گمراه کند،
تو زنده‌ای هستی که نمی میرد و جن‌ها

و انسان‌ها می‌میرند). [متفق علیه].

از آنها: این سخن وی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است:

«حسبنا الله ونعم الوكيل» (الله برای ما

کافی است و نیک نگهبانی می-

باشد). ابن عباس رضی الله عنهما گفته

است: «حسبنا الله ونعم الوكيل»،

سخنی است که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام هنگامی

که در آتش انداخته شد گفت و

محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که گفتند: ﴿إِنَّ

النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ

إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

توکل بر الله تعالی // 65

﴿ همانا مردم بر علیه شما جمع شده‌اند، پس از آنها بترسید، در نتیجه‌ی آن ایمان آنها زیاد شد و گفتند: الله برای ما کافی است و نیک نگهبانی است) آن را فرمود.

از آنها این سخن رسول ﷺ

است: «یا فلان، إذا أويت إلى فراشك
فقل: اللهم أسلمت نفسي إليك،
ووجهت وجهي إليك، وفوضت أمري
إليك، وألجأت ظهري إليك، رغبةً
ورهباً إليك، لا ملجأ ولا منجى منك

إلا إليك، أمنت بكتابك الذي
أنزلت، ونيك الذي أرسلت، فإنك
إن مت من ليلتك مت على الفطرة،
وإن أصبحت أصبت خيراً» (ای فلانی!)
وقتی در رختخوابت دراز کشیدی
بگو: یا الله نفسم را تسلیم تو نموده‌ام
و صورتم را به سوی تو متوجه
نموده‌ام و امرم را به تو واگذار نموده‌ام
و پشتم را در پناه تو قرار داده‌ام، از
روی رغبت و ترسی که به سوی تو
دارم، پناهگاه و نجات دهنده‌ای در

توکل بر الله تعالی // 67

برابر تو وجود ندارد، مگر خودت، به کتابی که نازل فرموده‌ای و پیامبری که فرستاده‌ای ایمان آورده‌ام. پس اگر در آن شب بمیری بر فطرت [اسلام] مرده‌ای و اگر صبح کنی به تو خیری رسیده است). [متفق علیه].



بعضی از سخنان پیشینیان

درباره‌ی توکل

علی رضی الله عنه گفته است: «ای مردم!

بر الله توکل کنید و به او اعتماد نمایید، زیرا او برای شما از غیر خودش کافی است». در اینجا علی رضی الله عنه را در حالتی می‌یابیم که بین توکل و اعتماد به الله تعالی که همان یقین به او تعالی است، ارتباط برقرار نموده است. یقین همان است که بنده عمل خود را برای الله خالص گرداند و در همان حالت به وعده‌های الله تعالی اعتماد داشته باشد.

یکی از علماء گفته است: بر

توکل بر الله تعالی // 69

غیر الله توکل نکن که در نتیجه‌ی آن
الله [تعالی] تو را به حال همان چیزی
که بر وی توکل نموده‌ای رها خواهد
ساخت.

منصور بن عمار گفته است:

«قلبه‌ای توکل کنندگان، ظرف
رضایتمندی است».

یکی از آنها گفته است:

«علامت توکل قطع نمودن چیزهایی
است که به آنها طمع می‌شود» به
معنای آنچه در مخلوقات و اسباب

است.

دیگری گفته است: «توکل از بین بردن دیدنِ واسطه‌ها است و معلق شدن به بالاترین ارتباط» که همان الله عَلَيْهِ است.

ابن سالم بصری گفته است:

«توکل بر الله تعالی واجب است»، ﴿

وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

[المائدة: 23] (و فقط بر الله توکل

کنید اگر از مؤمنان هستید) و کوشش

نمودن در طلب روزی مباح است ﴿

توکل بر الله تعالی // 71

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ﴿البقرة﴾

[57] (از چیزهای پاکی که به شما

روزی داده‌ایم، بخورید) آنچه برای

طلب و کسب وجود دارد، پاک و

خبیث می‌باشند و آنچه برای توکل

است، فقط پاکی است.

از الله بسیار با عزت و بسیار

توانا درخواست می‌نماییم تا از روی

رحمت و بخشش خود توکل درست

بر خود را به ما ارزانی دارد و ما را از

کسانی قرار دهد که فقط به او امید

دارند و امید ما را از غیر خودش قطع
فرماید.

و الحمد لله رب العالمين و
صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و
على آله و صحبه أجمعين.

توکل بر الله تعالی // 73

تهیه کننده:

أسماء بنت راشد الرويشد

مسئول سایت اینترنتی آسیه و مرکز

مشاوره‌ی آسیه

www.asyeh.com

هاتف 920000192

ص.ب 40713 الرياض 11511

ایمیل: asma@asyeh.com